

## تجاوز و آزار جنسی در زندانها حربه ای علیه جامعه ی معارض ایران!

پروین کابلی

صفحه ۲

## تورنمنت نفس گیر فرصت طلبی در حاشیه افزایش خطر جنگ

سمیرا دولت شاهی

صفحه ۴

## ”نه“ به اعدام!

## اعدام قتل عمد دولتی

سیاوش دانشور

صفحه ۵

## نامه حمایتی بزرگترین اتحادیه های کارگری فرانسه از جمله “ث-ژ-ت” از کارگران معدن زغال سنگ طبری

صفحه ۸

## گزارش خبری از وضعیت زندگی کارگران معادن: کارگران را به اعتیاد آلوده می کنند!

سمیرا دولت شاهی

صفحه ۱۰

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست: نه به جنگ، نه به جنگ طلبان، نه به حکومت اسلامی

صفحه ۱۱

## زنده باد انقلاب کارگری!

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

## تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۰ مهر ۱۴۰۳ - ۱۱ اکتبر ۲۰۲۴

## یادداشت

## ادامه تجمع و اعتصاب کارگران مجتمع معدن چادر ملوبا وجود حضور نیروهای سرکوب

از روز سه شنبه کارگران شرکت آسفالت طوس، معدن چادر ملودر اعتراض به شرایط بد شغلی دست به اعتصاب زدند. کارگران با وجود حضور نیروهای سرکوب در شرکت، به اعتراض و اعتصاب خود ادامه دادند. خواست اصلی این کارگران افزایش پایه حقوق، حل مشکل بیمه تکمیلی و بر خورداری از یک بیمه تکمیلی مناسب و با کیفیت است. کارگران به سختی کار و عدم دریافت حقوق مکفی متناسب با شرایط سخت کاری معترضند.

کارگران این شرکت از شنبه این هفته کار را تعطیل و دست به اعتراض زدند. در طول این چند روزه خواست کارگران رسیدگی نشده و علاوه بر حضور نیروهای یگان ویژه در محیط شرکت، کارگران به اعتراض و اعصاب خود ادامه دادند. با آغاز اعتراض کارگران، شرکت تحویل غذا به کارگران را متوقف کرده و این در شرایطی است که مجموعه چادر ملو از مناطق شهری فاصله دارد و تهیه غذا برای کارگران دشوار شده است. شرکت آسفالت طوس ۲۱۰۰ کارگردارد که در بخش استخراج و تولید کنستانتتره معدن چادر ملومشغول به کار هستند.

صفحه ۳

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



شاکرمی برکسی پوشیده نیست. در پرونده ی پزشکی آرمیتا عباسی از کرج یکی دیگر از جوانان دستگیر شده، پزشکان به وضوح آثار تجاوز جنسی به او را اعلام کردند .

تجاوز جنسی حربه ای شناخته شده در جنگ است که همواره علیه مردان و زنان بیدفاع و اسرا استفاده شده است و فی النفسه و به تنهائی یک جنایت جنگی است .

یک قربانی شناخته شده ی قضاوت رژیم اسلامی عاطفه رجبی است که جرمش افشای تجاوز افسر زندانبان در زندان به او بود. افشاگری که به تباری افسر زندان با حاکم شرع منجر شد و او را به جرم زنا محصنه در ۲۵ مرداد ۱۳۸۳ در نکا مازندان در ملاعام به دار آویختند. به گفته ی شاهدان عینی جنازه ی عاطفه بیش از ۲۰ دقیقه روی دار باقی ماند.

در نظام اسلامی ایران، آزار جنسی نه تنها در خانه و محیط کار و جامعه بلکه بوسیله نظام آپارتاید جنسی و تبلیغات عقب مانده اسلامی بطور مدام قانوناً اشاعه داده میشود و بعنوان شکنجه بر علیه زندانبان برای تحت فشار قرار دادن خانواده و بستگان شکنجه شدگان و اعمال فشار به جامعه ای که تحت بیشترین تبلیغات مذهبی و مردسالارانه است مورد استفاده قرار میگیرد. اگر قربانیان تجاوز جنسی بدلیل افکار واپسگرا بخشاً سکوت میکردند، اما برخلاف گذشته اکنون عده ی بیشتری در مقابل آن قد علم کرده اند و صحبت میکنند. سکوت به جمهوری اسلامی این امکان را میدهد که با تجاوز جنسی نه تنها وحشت بیافریند بلکه در صفوف مردم تفرقه بیندازد و آنها را به عقب نشینی وادار نماید. افشای علنی این شیوه فاشیستی و جنایتکارانه از طرف قربانیان بسیار اهمیت دارد و وظیفه فعالین رادیکال و کمونیست است که موانع این سکوت را بردارند و آنرا به نیروئی بر ضد تجاوزگران و حکومت شان بدل کنند.

افشا و صحبت از تجاوز و آزار جنسی بعنوان شکنجه جسمی و روانی زندانبان به عنوان یک روش جنایتکارانه در قلمرو مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلامی باید به همان گونه افشا و با آن مقابله شود که مقابله با شکنجه و اعدام میشود. اقدام ۲۲ زندانی سیاسی اوین را باید در این راستا دید و از آن پشتیبانی کرد. ما باید از مصونیت جانی و حرمت شخصی زندانبان قاطعانه دفاع کنیم. جنایتکاران اسلامی را باید بجرم تعدی به جسم و جان مردمی که برای حقوق خود بپاخاسته اند مورد تعرض قرار داد. شکنجه گران و متجاوزین در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی در دادگاههای مردمی محاکمه خواهند شد. خواست آزادی بیقید و شرط کلیه زندانبان سیاسی باید در صدر شعارهای مبارزاتی علیه رژیم اسلامی قرار گیرد. باید بر این امر تاکید نمود که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای آزاد و برابر میتوان مصونیت شخصی و فردی و اجتماعی انسانها را تضمین کرد.

۱۰ اکتبر ۲۰۲۴

## تجاوز و آزار جنسی در زندانها حربه ای علیه جامعه ی معترض ایران!

پروین کابلی

۲۲ زندانی سیاسی بند زنان زندان اوین طی نامه ای اعتراضی در ۱۶ مه‌رمه خواهان توقف اذیت و آزار جنسی زندانبان هنگام بازرسی بدنی شدند و اعلام نمودند که چنانچه این دست درازی ها متوقف نشود اقدام به اعتراض خواهند نمود .

این اولین بار نیست که زندانبان سیاسی از رفتار متجاوزانه ی مامورین رژیم در داخل زندانها صدای اعتراضشان بلند شده است. تجاوز و دست درازی به مخالفین یکی از متدهای شناخته شده ی جمهوری اسلامی برای شکستن مقاومت زندانی سیاسی در طول حکومت سرگوبگر و جنایتکارش بوده است .

سابقه استفاده از تجاوز جنسی در زندانهای جمهوری اسلامی جدید نیست، این روش در دهه شصت و کشتار انقلابیون علناً استفاده میشد. دختران دستگیرشده و محکوم به مرگ قبل از اعدام توسط بازجوها و پاسداران مورد تجاوز جنسی قرار میگرفتند تا "باکره" از دنیا نروند و طبق شرع اسلام "بهشتی" نشوند. زندانبان سابق دهه ی ۶۰ در رابطه با تجاوز به زنان زندانی قبل از اعدام و حتی کودکان دستگیر شده گزارشهای دقیق و مستندی ارائه داده اند. شهادتهایی که در دادگاههای آتی یکی از اتهامات جدی بر علیه سران جمهوری اسلامی است. در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد و بعد از رویدادهای سال ۸۸، در زندان کهزیک از ابزار تجاوز بسیار علنی و در مقابل چشم دیگر زندانبان وسیعاً بهره بردند. به زن و مرد توسط لمپن ها و لباس شخصی ها و بازجوها تجاوز شد، تعدادی در حین تجاوز جان باختند و بعضاً پیکر سوخته شان در بیابانها پیدا شد. این روش همینطور در زندانها با جرائم عادی در جریان است و بسیاری از زنان زندانی که در بندها عادی از تجاوز و سواستفاده جنسی مکرر توسط عوامل رژیم پرده برداشته اند، به مرگ محکوم شده اند .

در خیزش آبانماه ۱۳۹۸ بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر و بسیاری جانباختند. جنازه های جانباختگان گواه بر شکنجه ، آزار جنسی بر آنها را نشان میداد. این واقعیت که نشان میدهد هر دوره که اعتراض مردم اوج میگردد و مخالفین به سیاهچالهای رژیم انداخته میشوند، خطر تجاوز و آزار جنسی و تهدید مکرر تجاوز حین بازجویی برای شکستن زندانی مانند شمشیر داموکلس روی سر زندانبان بطور عام و زندانبان زن بطور خاص قرار دارد .

درخیزش انقلابی ۱۴۰۱ بوضوح این متد شناخته شده بر علیه بسیاری از دستگیرشدگان و بازداشتی ها زن و مرد اعمال شد. فیلم های منتشر شده از زمان دستگیری و اعلام علنی تعدادی از آنها که به صراحت در مورد دست درازی جنسی صحبت کردند در شبکه های اینترنتی گواه بر این بود که دامنه و ابعاد خشونت جنسی بسیار زیاد است. بسیاری از این شاهدان کودکان بین ۱۲ تا ۱۵ ساله بودند. سرگذشت نیکا

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## یادداشت

## ادامه تجمع و اعتصاب کارگران مجتمع معدن چادر ملوبا وجود حضور نیروهای سرکوب



محاصره کارگران توسط یگان ویژه سرکوب

همه معادن در ایران، زغال سنگ، سنگ آهن، مس و غیره شرایط کاری سخت و خطرناک و مشابهی دارند و از صنایع پر ریسک و حادثه آفرین هستند. حقوق بسیارنازل و بقول کارگران معدن چادرملو حقوق دریافتی متناسب با سختی کار نیست. عدم استاندارد ایمنی محیط کار و انفجار در معادن جان کارگران را روزانه تهدید به مرگ می کند. چند وقت پیش انفجار در معدن زغال سنگ طبس به دلیل انباشت گازمتان و عدم وسایل ایمنی حفاظت از جان کارگران، ۵۲ کارگرا به کام مرگ برد و دولت و اداره کار دست به دست هم دادند تا این فاجعه انسانی را زیر فرش کنند و بی مسئولیتی کارفرما در قبال جان کارگران را توجیه کنند. اعتراض به این جنایت آنقدر بالا بود که قوه قضائیه ایران هر گونه صحبت در این مورد تا روشن شدن علت این جنایت را ممنوع اعلام کرد.

علاوه بر شرایط سختی کار و عدم پرداخت حقوق مکفی به کارگران، عدم سیستم پیشرفته ایمنی کار در معادن، معادن را به قتلگاه کارگران تبدیل کرده است. طبق بررسیها ۲۰ تا ۲۵ درصد معادن در ایران سیستم ایمنی فرسوده دارند و با استانداردهای امروزه در معادن فاصله دارند. این مشکلات که مدام جان کارگران را با خطر روبرو می کند فضای اعتراضی در میان کارگران معادن را دامن زده است. کارفرمایان به دلیل سود جویی و بی ارزش بودن جان کارگران به شرایط نا امن محیط کار علازم اعتراض کارگران بی توجه هستند و دولت و ادارات مسئول از قصور کوتاهی کارفرمایان در تهیه تسهیلات پیشرفته ایمنی کار چشم پوشی و با جان کارگران بازی می کنند. وزیر کار و معاون روابط کاری جناب وزیر انفجار در معدن زغال سنگ طبس را حادثه ای معمولی و طبیعی عنوان کرده است.

عدم ایمنی محیط کار نه تنها در معادن، در سایر مراکز کارگری، سالانه باعث مرگ صدها کارگردار اثر سوانح محیط کار می شوند. کارگران در ایران جز بی حقوقترین کارگران در سطح جهانند. شرایط سخت کاری، عدم دستمزد مکفی، عدم امنیت جانی در محیط کار بخصوص در معادن، بی توجهی کارفرما و دولت نسبت به مطالبه کارگران و عدم تامین ایمنی محیط کار، از کارگران می طلبد که ضمن گسترش اعتراض و اعتصاب و پیگیری مطالبات خود، نظارت نمایندگان واقعی کارگران بخصوص بر شرایط محیط ایمنی کارگران در معادن از ضرورت صد چندان بر خوردار است. تشکیل مجامع عمومی کارگران و انتخاب نماینده برای پیگیری مطالبات کارگران و اشراف بر محیط ایمنی کار بخصوص در معادن از ضروریات مبارزه امروز کارگران در معادن و سایر محیطهای کارگری است. کارگران به وضوح دریافته اند که کارفرما و دولت به دلیل سود پرستی در فکر حفاظت از جان کارگران نیستند. لازم است که کارگران خود دست به کار شوند و برای تحقق مطالبات و نظارت بر محیط ایمنی کار، کارفرمایان و دولت را تحت فشار قرار دهند. قدرت کارگران در شکل و اراده جمعی آنان است.

### تورنمنت نفس گیر فرصت طلبی در حاشیه افزایش خطر جنگ

سمیرا دولت شاهی

اینجاست که بیش از هر چیزی باید بر موضوع صف مستقل طبقاتی تاکید کرد.

مسئله این است که تریبون را از اپوزیسیون پروغرب و نیروهای شبه روشنفکر محور مقاومتی بگیریم و مقابل دهان جامعه بگیریم! طبقه کارگر و مردم ایران خود توی دهن این خیال بافان خواهند زد.

ما نیز به عنوان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، اجازه نمی دهیم این جریان با رانت رسانه ای که دارند، مواضع جامعه و طبقه کارگر را واژگونه نمایش دهند و خاک در چشم مردم بپاشند!

۱۸ مهر ۱۴۰۳

سر دبیر

۱۰ اکتبر ۲۰۲۴

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



اسلامی، یک زمین سوخته را تحویل نیروی بعدی می‌دهند. البته در مورد خاص ایران به منظور رفع تهدید اصلا بعید نیست که این تحویل نه به یک نیرو، بلکه به "نیروها"یی داده شود تا تمرکز قدرتی دوباره در این منطقه صورت نگیرد و این منطقه در درگیری‌های قومی، مذهبی و زبانی دوباره سال‌ها بسوزد.

این فقط نیروهای پروغرب نیستند که طبق معمول به دلیل فقدان افق مبارزه اجتماعی روزمره، به ارتش‌های خارجی دخیل بستند و باوجود اینکه بارها مایوس شدند، دوباره در اوهام احساس بوی کبابی که در واقع خر داغ شده است، به سر می‌برند؛ بلکه در کنار آنان، نیروهای موسوم به "محورمقاومتی" نیز به اسم مخالفت با جنگ و زیر پرچم و پوشش امپریالیسم ستیزی، از نظم موجود دفاع و نسخه ایستادگی در کنار نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی را بدون هیچ لکت زبانی می‌پیچند.

شاخص‌های سنجش مقاومتی‌ها و "محورمقاومتی مخفی‌ها" این روزها به خوبی بیان می‌شوند. مواردی مثل "دفاع از عملیات هفتم اکتبر حماس" آن هم در سالگرد آن رویداد، "دفاع دوباره برای شرکت در انتخابات"، "دفاع از حملات موشکی جمهوری اسلامی و افزایش سطح تنش" و "بزرگنمایی قدرت تسلیحاتی و فنی بخش نظامی حکومت مستقر"، بخشی از پروژه‌های است که نیروهای آشکار محور مقاومتی و حتی نیروهای دارای تعارف و پنهان آنان در روزهای اخیر بیان می‌کنند.

در این میان خط محورمقاومتی انبوهی از سفسطه‌ها و مغالطه‌ها را برای پیشبرد گفتارهای سیاسی خود درباره حوادث بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ را ردیف می‌کند. ادعاهایی مثل "حمایت جریان جبهه خلق و سایر جریانات چپ فلسطینی و عربی از عملیات هفتم اکتبر و حملات جمهوری اسلامی" و "فقدان نیروی جایگزین به جای نیروهای اسلامی فعال در منطقه" بخشی از این شبه استدلال‌هاست. این درحالی است که همه می‌دانند خود همین تحلیل‌های غلط و مواضع تسلیم طلبانه چپ کشورهای عربی است که باعث عروج جریاناتی مثل حماس و اخوان و... در غرب خاورمیانه شده است. در واقع مغالطه ارجاع به چیزی که خود نه تنها نیروی معتبری نیست، بلکه حتی نیروی "متهم" است، از جمله مغالطاتی است که صورت می‌گیرد. اتفاقاً همین نیروها باید آلترناتیوسازی می‌کردند که جریاناتی در خارج فلسطین و کشورهای عربی نگویند "بجز نیروهای مقاومت مذهبی و طایفه‌ای آلترناتیوی نداریم!". با مغالطه فقدان نیروی آلترناتیو پیشرو شاید روزی تصمیم بگیرند که پشت نیروهایی بسیار ارتجاعی تر هم بروند. لذا این منطق نیز بیش از آنکه حاکی از فقدان آلترناتیو باشد، ناشی از فقدان اتکا به طبقه زحمتکش در درون خاک خودی دارد.

نیرویی که از ترس جنگ طلبی و اسرائیل دوستی امثال مهتدی و رجوی و پهلوی به جمهوری اسلامی پناه می‌برد، برنامه‌ای برای اتکا به طبقه‌های دیگر و مبارزه طبقاتی ندارد و از اول هم هیچ ربط سیاسی و اجتماعی به آن طبقه نداشته است. در این

## تورنمنت نفس گیر فرصت طلبی در حاشیه افزایش خطر جنگ

سمیرا دولت شاهی

با افزایش خطر بروز برخورد نظامی میان دولتهای اسرائیل و ایران و گرایش هر دو رژیم به تشدید درگیری‌ها پس از ترور حسن نصرالله، رویدادهایی به شکل دومینووار و پایپی رخ داد که مواضع بسیاری از فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی را دگرگون ساخت. با افزایش خطر بروز جنگ برخی به سوی مواضع محورمقاومتی و هم نوایی با جمهوری اسلامی غش کردند و بخش زیادی نیز همزمان به سمت جنگ طلبی و استقبال از ارتش اسرائیل!

نوعی مسابقه دوی استقامت و تورنمنت نفس‌گیر برای بردن جایزه فرصت‌طلب‌ترین و اپورتونیست‌ترین جریان و فعال سیاسی در داخل و خارج ایران برقرار شده است. جمعیت اپورتونیست‌ها آنقدری هست که در برابر نیروی چپ اجتماعی مستقل از قدرت‌های بورژوازی که هم مقابل جنگ نعره می‌کشد و هم بدون ترس در مقابل نظم موجود رژیم جمهوری اسلامی هرگز سکوت نکرده، عددی حساب شود؛ در نتیجه وجود این جمعیت فرصت طلب که اپورتونیسم بسیاری از آن‌ها باتوجه به خط سیاسی و رویکرد طبقاتی‌شان قابل پیش‌بینی بود، باید بدون تعارف در برابر هردو بال پروغرب و محور مقاومتی بورژوازی محکم ایستاد.

ما در شرایطی قرار داریم که هم حمید تقوایی دیگر بدون هیچ ترس و اهمه‌ای از خلاء قدرت سخن می‌گوید و هم رضا پهلوی! یکی می‌گوید بیشتر انقلابات در دوران‌های جنگ و نابسامانی جنگی به پیروزی رسیده و دیگری مدعی است که می‌تواند خلاء قدرت را پس از جنگ پر کند. هردوی این افراد البته اگر تا یکسال پیش درباره جنگ و دخالت نظامی خارجی برای تغییر حکومت مصاحبه می‌دادند، هر جنگی را محکوم و این مسیر را بدترین انتخاب برای تغییر سیستم معرفی می‌کردند، اما در شرایط فعلی که بوی کباب به مشام آنان رسیده است، آنچه در ناخودآگاه سیاسی و طبقاتی‌شان وجود داشته را بیرون می‌ریزند.

این فقط مجاهدین خلق نیست که طبق معمول با حداکثر فرصت‌طلبی سمت اسرائیل می‌ایستند، بلکه مجاهدین آنتیستی حمید تقوایی نیز بدون توجه به تمایزات شرایط پیروزی در وضعیت جنگی در قرن بیستم، مقایسه‌ای مضحک می‌کند. او و امثال او بدون توجه به این موضوع که لنین، مائو و هوشی مین و تیتو در شرایط بسیار متفاوت سازماندهی، آرایش کاملاً متفاوت ژئوپولیتیک، پشتیبانی‌های انترناسیونالیستی و بین‌المللی مختلف و فضای ذهنی و توان کاملاً متمایز از شرایط کنونی در خلاء قدرت ناشی از جنگ قدرت گرفتند، نسخه عملی در شرایط جنگی را می‌پیچند.

این درحالی است که در صورت وقوع جنگ و اشغال ایران توسط متحدین اسرائیل و خود این رژیم، اول خود آن‌ها خلاء قدرت را پر کرده و با انهدام وسیع بخش زیادی از میراث اقتصادی، نظامی، زیرساختی و توان تسلیحاتی و فنی هردو رژیم پهلوی و جمهوری

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!



حیات انسانها و ادامه منطقی سلب حق و آزادی در قلمروهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. اعدام پاسخ جامعه بورژوازی به معضلات و مسائلی است که خود خالق آن است. اعدام مرحله‌ای از یک چرخه اعمال خشونت دولتی و غیر دولتی علیه شهروندان است. ما با نفس این نظام و مبانی اقتصادی،

اجتماعی، سیاسی، حقوقی، قضائی و فرهنگی آن که بر خشونت استوار است مخالفیم. ما برای برپائی جامعه‌ای تلاش میکنیم که حیات انسانی حرمت داشته باشد و فلسفه قانون در جامعه و در قلمرو قضا، نه نفی حیات انسانها بلکه بازسازی و برگشت به جامعه باشد.

و بالاخره باید به نیروهای مدافع اعدام و قاتلین حرفه‌ای هم نگاهی انداخت تا رابطه اعدام و قدرت و تقابل با جامعه روشنتر شود؛ جمهوری اسلامی، دولت آمریکا، دولت چین، شیلی دوره پینوشه، السالوادور، آرژانتین، بیشتر دولتهای نظامی آمریکای لاتین، دولتهای اسلامی، بلوک سرمایه‌داری دولتی سابق، دولتهای مرتجع و سرکوبگر در آفریقا که سابقه کشتارهای جمعی در پرونده‌شان ثبت است، یا گروههای نظامی در اپوزیسیون مانند جریانات متفرقه اسلامی که امروز در مقابل چشم جهان سربیزند، گروههای نژادپرست و قومپرست، جریانات آوانتوریست و تروریست که با بمب گذاری و ترور در اسپانیا و ایرلند "عدالت" را در مورد مخالفین و مردم عادی به اجرا در می‌آورند! دنیای امروز، اگر قرار است برای آزادی عمل و آسایش و رفاه و حرمت بشریت باشد، باید این سنت قصاص متقابل را بدون استثنا پشت سر بگذارد. جامعه انسانی نیاز به اعدام ندارد. نه خوشبختی، نه آزادی و رفاه، نه حق به معنی فردی و اجتماعی با قتل مجرمین و مخالفین متحقق نمیشود. بشریت باید این دوره توحش را پشت سر بگذارد. در قرون وسطی با گیوتین میکشیدند امروز به اتاق گاز میفرستند، به دار میکشند، یا مانند اسلامیها در عراق و افغانستان و شمال آفریقا مثله میکنند، یا مانند گروههای قومپرست و "نمایندگان" خود گمارده مردم اعدام صحرائی میکنند!

### قلمرو خاکستری، اعدام جنایتکاران

یک توجیه عمومی اعدام، حتی در میان کسانی که مخالف اعدامهای سیاسی هستند، اینست که اعدام جنایتکاران که مرتکب قتل‌های متعدد و شنیع شدند فرق دارد. این قابل دفاع است و جامعه را مصون میکند! در پاسخ به این نوع استدلال باید تصریح کرد که این حرفه بدو و در مقیاس گسترده دولتی است نه غیر دولتی. عمده کسانی که در پرونده‌شان لیست طولیلی از آدمکشی ثبت است، در دولتها و پارلمانها و وزارتخانه‌ها و لویه‌جرگه‌ها و شورای نگهبانها نشسته اند. در بیرون دولتها عده‌ای از هم خانواده‌های اینها، جریاناتی که تفاوتی آرمانی و برنامه‌ای و سیاسی با این دولتها ندارند، در اپوزیسیون همین حرفه را دارند که از اینطریق سهم خود را از قدرت سیاسی و امتیازات اقتصادی و استثمار کارگران طلب میکنند. کمی آنطرف‌تر گروههای مخفی و افرادی را داریم که با همین نام یعنی "قاتل حرفه‌ای" استخدام میشوند و یا سفارشی را توسط گروه ثالثی اجرا میکنند. اینها ادامه سازمانهای رسمی دولتی

## "نه" به اعدام!

### اعدام قتل عمد دولتی

سیاوش دانشور

اعدام تاریخا ابزار قدرتها، چه دولتی و چه غیر دولتی، برای ارباب و تسلیم مردم بوده است. اعدام یعنی طراحی و سازماندهی گرفتن جان فرد یا افرادی با قصد و نقشه آگاهانه و خونسردانه قبلی. گویاترین نام برای اعدام قتل عمد است. اینجا دیگر تفاوت ماهوی بین قتل عمد دولتی و غیر دولتی وجود ندارد. دولتها زیر پوشش کاذب "نماینده‌گی جامعه" و "اجرای عدالت و قانون" و "شرایط جنگی" و "دفاع از میهن" میکشند و نیروهای بخش خصوصی زیر پوشش "نوامیس ملی و مذهبی" و تعصبات واپسگرای ایدئولوژیک و حتی "انقلابی"! چه دولتی که از سر منافع ارتجاعی اش مخالفین را اعدام میکند، چه گروه اسلامی و تروریستی که برای انتقام اسپرش را اعدام میکند، و چه نیروئی که به اصطلاح "اعدام انقلابی" میکند، جملگی یک اقدام واحد را عملی میکنند؛ قتل عمد و نابودی کسی که در دستگاه "عدالت" دلبخواهی اینان "مجازات اعدام" دریافت کرده است! برای الغای مجازات اعدام باید بدو این عدالت دلبخواهی و من درآوردی از هرسو نقد و کوبیده شود. باید این فرض را به گرسی نشاند که هیچکس، هیچ آحدی، به هر دلیلی، حق کشتن و گرفتن جان کسی را در مراسم شنیعی که نامش اعدام است ندارد. اعدام ممنوع است! اعدام تحت هیچ شرایطی مجاز و قابل توجیه نیست!

### در دفاع از حق حیات

وقتی به صحنه دنیا و میزان قتل و اعدام نگاه میکنید، میبینید برخلاف توجیهات رسمی که اعدام را "روشی برای مصونیت جامعه از قاتلین و جنایتکاران" میداند، عمده اعدامها و گرفتن آگاهانه و عامدانه جان شهروندان به دلائل دیگری صورت میگردد. به "جرم" آزاد بودن، تن ندادن به فعال‌مایشائی شوونیسم مردسالار، گردن نگذاشتن به اتوریته دولت و قدرت فائقه و یا مراجع مذهبی و عشیره‌ای و قومی. توجیه کلاسیک اعدام، یعنی روشی "برای مقابله با جرم و جنایت"، پوچ است. توجیه قاتلین است. واقعیات و آمار جرم و جنایت نشان میدهد که این روش و توجیه سیاسی آن شکست خورده است. آمریکا نمونه گویائی است. حتی اگر این روش از نظر آماری مطلوبیت خود را هم نشان میداد، باز هم نباید تردیدی در مخالفت با نفس "مجازات" اعدام بخود راه میدادیم. نفس وجود اعدام و توجیه قانونی و دولتی آن توسط طبقات حاکم و نفس غیر حساس بودن به کشتن عامدانه مردم از جانب هر نیروی غیر دولتی، به معنی تائید و پذیرش آگاهانه چرخه خشونت و آدمکشی در مغز استخوان مناسبات اجتماعی است. باید با اعدام علی‌الاصول مخالف بود، مهم نیست مجری آن دولت است یا نیروئی غیر دولتی. ما بعنوان کمونیست؛ هیچ کس، هیچ دولت، هیچ نیروی سیاسی، هیچ دستگاه مذهبی، هیچ نهاد و مرجعی را مجاز نمیدانیم که از گرفتن جان انسانها بعنوان یک "حق" استفاده کند یا حتی بطور ضمنی و تبصره‌ای از این "حق" برخوردار باشد. کمونیسم کارگری جنبشی برای سلب و الغای چنین حقوق نامشروعی است که بورژوازی و جنبشهای مختلف آن تاریخا برای خود قائل بوده‌اند. اگر باید بدو از حقی دفاع کرد حق حیات همگانی است. اعدام علیه حق

**نه "به اعدام!"****اعدام قتل عمد دولتی**

سیاوش دانشور

و شبکه قدرت و مافیاهای اقتصادی و جاسوسی‌اند. موردی که میماند افرادی هستند که قتل سریال انجام میدهند. در دنیای واقعی و در قیاس با آمار قتل‌های دولتی و غیر دولتی آگاهانه، این افراد در ته جدول آدمکشی قرار میگیرند. علی‌القاعده اینها نباید از تعادل و سلامت روانی برخوردار باشند. برای مقابله با این معضل، کار اول اینست که امنیت جامعه را در مقابل اینگونه تهدیدات بالا برد. یعنی ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی جرم و جنایت را خشکاند. دوم، باید این افراد را بعنوان بیمار مداوا کرد و شانس بازگشت به یک زندگی نرمال را از آنها نگرفت. با اعدام هیچ مشکل جامعه حل نمیشود بلکه تشدید میگردد. ما اگر جامعه‌ای بسازیم که نیازهای مادی و معنوی شهروندان را پاسخ میدهد، و بجای روحیه حیوان گونه رقابت؛ عنصر همبستگی و تعاون و نوعدوستی را مبنای جامعه و به فرهنگ اجتماعی تبدیل کند، آنوقت جرائم و خشونت و قتل به حداقل ممکن میرسد. چون زمینه مادی و اجتماعی آن از بین رفته است. در هر جامعه‌ای و در هر سیستم علمی استثنا وجود دارد و ضرورتاً این استثناها قابل تعمیم به روندها و اصول بنیادی نیستند. اگر در حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی فردا عده‌ای از اینگونه افراد داشتیم تلاش میکنیم با استفاده از آخرین دستاوردها و متدهای علمی راه بازگشت به زندگی متعارف و مفید بودن بعنوان یک عنصر اجتماعی را باز نگهداریم. تجارب دنیای امروز، حتی در چهارچوب سرمایه‌داری که اساس تبعیض و نابرابری و کار مزدی و زمینه جنایت و قساوت را دست نمیزند، نشان میدهد که اعدام پاسخ هیچ مشکلی نیست. فقط روحیه انتقام و "خون در مقابل خون" قرون وسطی را زنده نگه میدارد و بازتولید میکند. اعدام باید فوراً و بدون هیچ تبصره‌ای لغو گردد!

**حبس ابد، برخورد با آسرا**

الغای "مجازات" اعدام برای یک جامعه آزاد کافی نیست. همراه با لغو "مجازات" اعدام، حبس ابد به معنی رایج آن در کشورهایی مانند ایران باید لغو شود. نگهداشتن یک فرد یا تعدادی مجرم و جنایتکار برای تمام عمر پشت میله‌های زندان، مدالی به سینه عدالت در یک جامعه آزاد نمیزند. حبس ابد تا اعدام فاصله‌ای ندارد. حکومت کارگری باید حبس ابد را هم لغو کند.

در مورد برخورد با آسرا جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی باید پرنسپ‌هایش روشن و اعلام شده باشد. جنگ قانون خودش را دارد. در یک جنگ ممکن است از طرفین کشته شود. اما وقتی کسی در جنگ اسیر میشود، کشتن اسیر یعنی اعدام. اگر کسی و نیروئی نمیتواند اسیر طرف مقابل را نگهدارد نباید اسیر کند و اگر اسیر میکند حق شکنجه و آزار جسمی و روانی و اعدام را ندارد. هیچ تبصره‌ای مانند "دوره جنگ و شرایط متفاوت" قابل قبول نیست. با اسیر در بدترین حالت باید طبق قوانین بین‌المللی اسرای جنگی رفتار کرد. امروز مردم هنوز در حال جنگ با جمهوری اسلامی‌اند. روشن است این جدال به احتمال زیاد اشکال متنوعی بخود می‌پیذیرد. اما این یک جنگ

است و فرق هست با وقتی که یک نیروی درگیر کسی را اسیر میکند. ما مجاز نیستیم وقتی از طرف مقابل کسی را به اسارت درمیآوریم با او هر رفتاری از جمله تعرض فیزیکی کنیم و یا به فوران احساسات در مقابل اصولمان مجال بروز دهیم. ما با آسرا طبق قوانین بین‌المللی اسرای جنگی رفتار خواهیم کرد. حکومت کارگری مخالف مجازات اعدام و هر نوع مجازاتی است که به جسم افراد تعرض میکند. ما همراه با نفی اعدام و حبس ابد، هر نوع شکنجه و آزار بدنی را ممنوع اعلام میکنیم. ما کشتن اسرای جنگی را غیر قابل توجیه میدانیم و چنین عملی را اجرای "مجازات" اعدام تلقی میکنیم.

**برخورد با سران رژیم اسلامی**

چندین سال پیش در بیانیه یک جریان مائویستی، که مدعی تشکیل "گروههای ضربت" در داخل کشور بود، نوشته بود که مردم ایران چوپه‌های دار را آماده کرده اند! تمام آخوندها را با عمامه‌هایشان اعدام انقلابی میکنند! منشا این نفرت کجاست؟ تفاوت اینها با خود رژیم اسلامی چیست؟ میدانم یکی مائویست است و یکی مسلمان، اما روش برخوردشان یکی است. "عدالت" در قاموس‌شان یکی است و به اعدام ختم میشود. باید خوشحال باشیم که چنین افکار مریضی جائی در یک قصبه هم ندارد تا چه رسد به جامعه. تردیدی نیست که سران جمهوری اسلامی میلیونها شاکی خصوصی دارند. کسانی که عزیزانشان توسط اینها اعدام شدند و حتی آدرس قبرشان را هم نمیدانند کم نیستند. با این موضوع چگونه باید برخورد کرد؟ پاسخ این مردم زخم دیده را چگونه باید داد؟

من یکی از این مردم هستم. من هم شاکی خصوصی سران رژیم و افراد معینی هستم. من هم بهترین دوستان و هم‌زمان و عزیزانم را جمهوری اسلامی در مسجد و حسینیه زندان و میدان تیر اعدام کرده است. بحث الغای "مجازات" اعدام نه بحث بخشش سران رژیم یا هر جنایتکاری است، نه بحث سازش با آنها، و نه بحث پایان مقابله و جنگ با سرمایه و حکومت مرتجع اسلامی. خیر، این رژیم باید توسط نیروی مردم و انقلاب کارگری سرنگون شود. این رژیم تلاش میکند سرپا بماند و برای اینکار تا روز آخر دست به جنایت میزند. تردیدی نیست که باید با قدرت در جنگ با جمهوری اسلامی پیروز شد. نه فقط باید رژیم اسلامی را بعنوان یک رژیم سرکوبگر و بانی قتل عام و کشتار جمعی شهروندان و زندانیان سیاسی سرنگون کرد، بلکه باید سران حکومت و دست اندرکاران جنایت را در یک دادگاه علنی در مقابل چشم دنیا محاکمه کرد. اینان دادگاهی و مجازات خواهند شد نه بخاطر عقایدشان بلکه دقیقاً بخاطر قتل مردم بیگناه، بخاطر جنایت علیه مردم سیویل. در این دادگاهها که باید گوشه‌ای از عدالت فردای سوسیالیستی و کارگری را بنمایش بگذارد، شاکیان فرصت کافی برای اقامه دعوی خواهند داشت و متقابلاً باید متهمین پرده از جنایات‌شان بردارند. جامعه باید حقیقت را بداند تا بتواند از آن عبور کند. هدف نه محاکمه و به روی دار فرستادن قاتلین، بلکه عبور جامعه از یک دوران وحشت و بستن آن و باز کردن فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی و حقوقی و سیاسی در جامعه است.

حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک دولت آزاد و پیشرو، مبنای فلسفه قانون و امر قضا را به بازماندگان قربانیان و احساسات احتمالی انتقامجویانه واگذار نمیکند.

دیده احترام و همبستگی نگاه میکند و هدفش را نه "خونخواهی و قصاص" بلکه تلاش برای ممانعت از تکرار چنین فجایعی در آینده از طرق نابود ساختن و ریشه کن کردن زمینه های جرم و جنایت قرار داده است! اعلام میکنیم مردم ایران با پرچم لغو "مجازات" اعدام بعد از پیروزی بر رژیم جنایتکار اسلامی، قلب و دوستی میلیاردها مردم شریف جهان را با خود خواهند داشت! ما با اعلام لغو مجازات اعدام نقطه پایانی به چرخه خشونت و تنفر میگذاریم! اعلام میکنیم همراه با سقوط دولت بورژواها و درهم کوبیده شده ماشین سرکوبشان، همراه با خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم، قوانین کهنه منتج از فرهنگ و باور آنها از جمله اعدام منسوخ میشود! در سالروز ۱۰ اکتبر، برای برچیدن ماشین قتل عمد دولتی، لغو فوری احکام اعدام صادر شده و آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی تلاشمان را گسترش دهید.

\*\*\*

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>



تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

## نه" به اعدام!

### اعدام قتل عمد دولتی

سیاوش دانشور

چون در چنین صورتی، یعنی قضاوت و اجرای "عدالت" براساس عواطف و زخمهای قربانیان، راه دیگری جز انتقام و تداوم دور جدیدی از آدمکشی نضج نمیگردد. اتفاقاً در میان همین کسانی که عزیزانشان را جمهوری اسلامی اعدام کرده است پرچم لغو اعدام برافراشته تر است. زندانیان سیاسی سابق، خانوادههای اعدامیها، اپوزیسیون پیشرو و کمونیست کارگری، و هر کسی که با زندان سیاسی و شکنجه و اعدام فی النفسه مخالف است، خواهان لغو "مجازات" اعدام هستند. عدالت باید اجرا شود و اجرای عدالت تنها زمانی ممکن است که فردا کسی به هیچ دلیلی اعدام نشود. عدالت، اعدام زندگان بخاطر عزیزان از دست رفته نیست. اسم این انتقام است. عدالت در اینمورد مشخص یعنی برسمیت شناسی حق مجرمین و جانبداری مادی و معنوی جامعه از بازماندگان قربانیان و کشف و ثبت حقیقت است. قاتلین قطعاً باید مجازات شوند اما این مجازات اعدام نیست. اگر اعدام و قتل عزیزان ما بد است، تراژدی است، قابل فراموشی نیست، اعدام قاتل نیز توجیه اخلاقی و سیاسی و قضائی محکمه پسند و آزادخواهانهای ندارد. فکر میکنم روزی که ما در گوشه گوشه ایران به یاد عزیزانمان بیانیههای پرشور در نفی اعدام و اختناق و زندان میخوانیم، روزی که در مراسمهای پرشکوه گرامیداشت زندانیان و قربانیان رژیم اسلامی اعلام میکنیم؛ حکومت کارگری مجازات اعدام را لغو میکند و از این تاریخ هیچ کسی بخاطر ابراز عقایدش مورد تهدید قرار نمیگیرد و جامعه و قانون علیه تهدید فیزیکی شهروندان مسئول است، آنروز بهترین گرامیداشت را برای عزیزانمان که هدفشان آزادی و برابری بود بجا آورده ایم.

### بسوی آینده آزاد!

کمونیسم کارگری، جنبش برای آزادی و برابری و رفاه، جنبشی برای ساختن آینده، جنبشی برای بهبود هر روزه و جنبشی برای تغییر رادیکال و ریشه ای جهان است. ما باید آینده را بنا کنیم و در این مسیر و در چهارچوب نظام موجود بیشترین پیشرویها را کسب کنیم. ما مخالفین مجازات اعدام تاریخ نوینی را آغاز خواهیم کرد! ما چوبه های دار و تکنولوژی "مدرن" قتل و شکنجه را بعنوان ابزار توحش بورژوازی علیه مردم به موزه منتقل میکنیم! عکسهای جانباختن و سابقه جنایتشان را در آلبومها گرد می آوریم و در تاریخ ثبت میکنیم که زمانی این دولتها و این سیاستمداران با این دستگاهها آدم می کشتند! باشکوه ترین همبستگی معنوی جامعه را با قربانیان و بازماندگانشان بنمایش خواهیم گذاشت! اعلام میکنیم که جامعه بشری و آزاد ما عمیقاً درک میکند که درد از دست دادن برادر، خواهر، فرزند، همسر، معشوقه، پدر، مادر، یا هر عزیز دیگری تا چه حد سخت و فراموش نشدنی است! اما ما میخواهیم این پرونده و این تاریخ خونین را ببندیم! ما میخواهیم از این دوران وحشت عبور کنیم! باید از این دور تسلسل باطل جنایت و کشتار و انتقام و خونخواهی عبور کرد! باید آینده را ساخت! آینده ای خوشبخت و بدور از معیارهای "عدالتخواهی" قرون وسطی و بورژوازی! اعلام میکنیم جامعه به قربانیان و بازماندگانشان با

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

## نامه حمایتی بزرگترین اتحادیه های کارگری فرانسه از جمله "ت-ژ-ت" از کارگران معدن زغال سنگ طبس

### ایران: قتل عام قابل پیشگیری ۵۲ کارگر معدن



در تاریخ ۲۲ سپتامبر، متاسفانه انفجار گاز متان در عمق ۷۰۰ متری معدن زغال سنگ طبس دست کم ۵۲ کشته و ۲۰ زخمی بر جای گذاشت.

پیش از وقوع این فاجعه، کارگران به مدیریت معدن در خصوص بوی متان در تونل ها هشدار داده بودند، اما با این حال مجبور به حضور در محل کار شدند. مرگ این کارگران به طور کامل قابل پیشگیری بود. ما این جنایت و قتل عام را به شدت محکوم می کنیم و مراتب تسلیت و همبستگی خود را با معدنچیان و خانواده هایشان اعلام می داریم.

این فاجعه تنها حادثه ای نیست که در معادن ایران رخ داده است :

-در سال ۲۰۰۹، ۲۰ کارگر معدن در چندین حادثه جان باختند،

-در سال ۲۰۱۳، ۱۱ نفر در دو حادثه جداگانه کشته شدند،

-در سال ۲۰۱۷، یک انفجار دست کم ۴۲ نفر را در آزادشهر به کام مرگ کشاند،

-در ماه مه ۲۰۲۱ در دامغان، دو معدنچی در اثر ریزش معدن جان باختند و سپس در سال ۲۰۲۳ شش نفر دیگر در انفجار کشته شدند.

تکرار این حوادث مرگبار در معادن ایران نشان دهنده یک مشکل سیستماتیک و نبود اراده سیاسی برای حل آن است:

از یک سو، عدم رعایت استانداردهای ایمنی لازم برای تأمین امنیت کارکنان؛ و از سوی دیگر، ناکافی بودن خدمات اضطراری در مناطق معدنهمترین عوامل قابل پیشگیری در بروز این حوادث ناگوار می باشد.

همچنین وجود اتحادیه های مستقل کارگری می تواند به طور قابل توجهی به نظارت بر شرایط ایمنی کمک کند و احتمال بروز چنین حوادثی را به طور چشمگیری کاهش دهد.

ما مقامات فعلی را در این زمینه کاملاً مسئول میدانیم. آمارهای رسمی در سال ۲۰۲۳ نشان می دهند که در این سال ۲۱۱۵ نفر در حوادث کاری جان خود را از دست داده اند و ۲۷۰۰۰ نفر نیز مجروح شده اند.

بر اساس کنوانسیون های بین المللی کار، دولت و کارفرمایان موظف به حفاظت از ایمنی و سلامت کارگران در محیط کار هستند.

ما از رژیم ایران درخواست می کنیم که فوراً اقداماتی جدی برای حفاظت از جان معدنچیان انجام داده و بازرسی های جدی را در این خصوص آغاز کند.

سلامت و ایمنی کارگران معدن نباید به انتخاب و اراده ی کارفرمایان سپرده شود.

کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه (CFDT)

کنفدراسیون عمومی کار (CGT)

فدراسیون سندیکاهای متحد (FSU)

اتحادیه همبستگی سندیکایی

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (UNSA)

پاریس، اول اکتبر ۲۰۲۴

متن انگلیسی حمایت اتحادیه های کارگری فرانسه از کارگران معدن زغال سنگ طبس در صفحه ۹





## Iran : massacre évitable de 52 mineurs

Le 22 septembre, l'explosion de méthane survenu à 700 mètres de profondeur dans la mine de charbon de Tabas a fait au moins 52 morts et 20 blessés.

Avant la catastrophe, les travailleurs avaient pourtant informé la direction d'une odeur de méthane dans les galeries, mais ils avaient été quand même obligés de rejoindre leur poste de travail. La mort de ces travailleurs était donc tout à fait évitable.

Nous condamnons avec véhémence ce véritable massacre.  
Nous exprimons nos condoléances et notre solidarité aux mineurs et à leurs familles.

Cette catastrophe minière ne constitue pas un événement isolé :

- en 2009, 20 mineurs ont été tués dans plusieurs accidents,
- en 2013, 11 sont morts dans deux incidents distincts,
- en 2017, une explosion avait tué au moins 42 personnes à Azadshahr,
- en mai 2021 à Damghan, deux mineurs avaient perdu la vie dans un effondrement, puis six autres en 2023 dans une explosion.

La fréquence de ces accidents miniers mortels montre clairement que nous sommes face à un problème systémique et d'un manque de volonté politique pour y remédier :

- D'une part le non-respect de normes de sécurité permettant d'assurer la sécurité des salariés ;
- D'autre part l'insuffisance des services d'urgence dans les zones minières.

L'existence de syndicats indépendants faciliterait par ailleurs grandement un contrôle sur des conditions de sécurité. La probabilité de tels accidents en serait considérablement réduite.

La responsabilité du pouvoir en place est clairement engagée. Les statistiques officielles de 2023 indiquent en effet que 2115 personnes ont été tuées en 2023 dans des accidents de travail, et 27 000 blessées.

Selon les conventions internationales du travail, le gouvernement et les employeurs privés sont tenus de protéger la sécurité et la protection de la vie des travailleurs sur le lieu de travail.

**Nous demandons instamment au régime iranien de prendre des mesures permettant de protéger la vie des mineurs et de procéder notamment à des inspections sérieuses.**

**La santé et la sécurité des mineurs ne peuvent être laissées à la discrétion des employeurs.**

Confédération française démocratique du travail (CFDT)

Confédération générale du travail (CGT)

Fédération syndicale unitaire (FSU)

Union syndicale Solidaires

Union nationale des syndicats autonomes (UNSA)

Paris, le 1/10/2024



سنتی زغالسنگ نیز همین است و بسیاری از کارگران که برای امرار معاش وارد کار معدن شدند، با دردها و بیماری‌ها و سختی‌های اعتیاد این کار را ترک می‌کنند!

برای نیروهای آگاه و مبارز کمونیست این روشن است که گسترش مواد مخدر در زندان‌ها و خوابگاه‌های کارگری و... یکی از روش‌های عمدی کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری هرنوع حرکت مثبت است.

ما حکمتیست‌ها ترویج عامدانه هرنوعی از اعتیاد و تحمیل شرایط سخت اسکان و کار به کارگران را محکوم و با صدای بلند آن را نه گناه کارگران بلکه نتیجه تحمیل وضعیت مشقت بار بر آنان می‌دانیم!

۱۸ مهر ۱۴۰۳



**منصور حکمت را بخوانید**

**و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

**راههای ارتباط با حزب حکمتیست**

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲  
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰  
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹  
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

حزب کمونیست ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

## گزارش خبری از وضعیت زندگی کارگران معادن:

### کارگران را به اعتیاد آلوده می‌کنند!

#### سمیرا دولت‌شاهی

پس از وقوع حادثه معدن طبس، سیلی از مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی به همراه رسانه‌ها وارد میدان واقعه شدند. درباره خود انفجار و ناایمنی کار و بازی با جان کارگران تاکنون بسیار گفته شده اما درباره دیگر موضوعاتی که هر روزه کارگران معادن با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، صحبتی به میان نمی‌آید!

وضعیت رفاه و معیشت و فقر این کارگران و شرایط کاری آنان دست کمی از وضعیت ایمنی کارشان و امنیت جانی آنان ندارد.

وقتی خبرنگاران به دلیل شرایط خاص محیط معدن بالاخره از حلقه‌های حفاظتی و لایه‌های پرتعداد نگهبانان رد شدند، با صحنه‌های عجیبی مواجه شدند که در رسانه‌های رسمی نمی‌توانست انعکاس یابد. بسیاری از رسانه‌ها آن را طبق معمول سانسور کردند.

برخی نیز تحت این عنوان که "آبروی کارگران می‌رود" و "برای حیثیت کارگران خوب نیست" سکوت را توصیه کردند. در صورتی که در این مورد تقصیری بر دوش کارگران نبوده و نیست!

وضعیت خوابگاه‌های کارگری کارگران معادن به ویژه در استان خراسان جنوبی و طبس فاجعه بار است. اتاق‌هایی کثیف، با تخت‌هایی بدون ملافه برای کارگرانی که از میان انبوهی از زغالسنگ بیرون می‌آیند، در کنار کمبود حمام و سرویس بهداشتی سالم، تنها بخشی از شرایط آنان است.

قسمت اصلی ماجرای محل اسکان کارگران، گسترش مشکوک اعتیاد و مصرف مواد مخدر است. وضعیت چنان خراب است که باوجود ورود بازرسان و خبرنگاران به محوطه، هنوز نصف بیشتر اتاق‌ها با گاز پیک نیکی روشن قابل رویت هستند. بوی تریاک از درون تک تک اتاق‌ها باوجود اعلام آماده باش برای نظافت اتاق‌ها، هنوز حس می‌شود!

در آنجا کارگران می‌گویند از میان هر سه کارگر، حداقل دو نفر معتاد است. قدیمی‌ها به آنان گفتند که با وجود دردهای جسمی و شرایط روانی سخت کار در معدن، فقط با مواد مخدر می‌توانید تحمل کنید. بسیاری از کارگران را با این ذهنیت سازی به کام اعتیاد کشاندند.

در این میان کارفرما و نفرات و گماردگان او با هر نوع تشکل یابی و هرنوع اجتماع برای بیان مطالبه درجا برخورد کرده و در میان کارگران افرادی را نیز قرار می‌دهند! باوجود این شرایط سخت امنیتی اما مواد مخدر به راحتی در میان خوابگاه‌های کارگری معادن معدنجوی طبس وجود دارد. کارگران می‌گویند وضع دیگر معادن

**زنده باد برابری زن و مرد!**

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

### نه به جنگ، نه به جنگ طلبان، نه به حکومت اسلامی

#### زنده باد انقلاب کارگری!

حمایت های ملی و بین المللی از دولت راست افراطی ناتانیاهو شده؛ راه را برای قبولاندن و پذیرش طرح حملات خردکننده به ایران فراهم کرده و تلاش دولت پزشکیان را برای خروج از انزوا و تعامل با غرب به شکست کشاند. علیرغم فرستادن پیامهای آشکار و پنهان به آمریکا برای مدارا با آمریکا و غرب و گشایش مذاکرات برجامی، سیاست همراهی با روسیه و چین و کمک موشکی - پهپادی به روسیه در جنگ اوکراین، پاشنه آشیل شکست این تلاشهاست.

دولت ناتانیاهو هم با کشتن اسماعیل هنیه در تهران، حسن نصرالله و اکثر فرماندهان نظامی حزب الله، و پیام به مردم ایران، تلاش خود را برای کشاندن رژیم به مسیر بی بازگشت جنگ، کشاندن آمریکا به منازعه کرده تشدید کرده است.

رقابت دو رژیم آپارتاید مذهبی یهودی و اسلامی، درهای جهنم ویرانی و مرگ را بروی منطقه و مردمان خاورمیانه گشوده است. بزرگترین قربانیان این جنگ، مردمان این منطقه هستند. جنگ دو رژیم جنایت و تباهی، جنگ مردم نیست. هرگز نباید وعده‌ها و پیامهای آنان را باور کرد. ما پیامهای آنان را در سرکوب های خونین مردمان ایران در چهل و اندی سال گذشته، در پاکسازی و قتلعام خونین و وحشتناک مردم فلسطین در غزه و کرانه باختری دیده ایم. بدون تردید دنیا بدون تروریست های جنایتکار دولتی و اسلامی دنیای ایمن تری است اما پیروزی هیچ کدام از این دو طرف در خدمت اهداف و منافع مردم نیست.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، جنگ جنایتکارانه اسرائیل علیه مردم غیر نظامی در فلسطین و لبنان را جنایت جنگی میدانند و خواهان آتش بس فوری و بی قید و شرط در همه ی جبهه های جنگ در غزه و کرانه ی باختری و لبنان، قطع فوری بمبارانها، برداشتن همه ی موانع کمکهای انسانی به مردم فلسطین در غزه و کرانه باختری و لبنان است. در عین حال تمام تلاشها برای گسترش جنگ به کل خاورمیانه و ایران را محکوم میکند. این جنگ، جنگ مردم نیست. جنگی برای گسترش سلطه، تقویت رژیمهای جنایتکار سرمایه داری در ایران و اسرائیل، تقویت کمپانیهای اسلحه سازی است. بزرگترین قربانیان این جنگ مردم منطقه و روند انقلابی در ایران است. باید با همه ی توان علیه این جنگ ایستاد. ما از همه ی نیروهای چپ و کمونیست، از طبقه کارگر جهانی، همه نیروهای آزادیخواه و بشردوست و صلح طلب در ایران و خاورمیانه و جهان میخواهیم صدای خود را علیه جنگ و جنگ طلبان، در دفاع از روند انقلابی در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای همزیستی مردمان منطقه، برای برسمیت شناسی دولت مستقل فلسطین، برای آزادی و برابری و سوسیالیسم بلند کنند. باید خیابانها را بار دیگر علیه جنگ، علیه جنگ طلبان حاکم تسخیر کنیم!

سوم اکتبر ۲۰۲۴

**سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

**امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست،**

**سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)**

در آستانه ی یکسالگی کشتار و مجازات جمعی بیش از دومیلیون مردم غزه و کشتار بیش از ۴۱ هزار فلسطینی، در بحبوحه پاکسازیهای نژادی و ملی و مذهبی در کرانه باختری، تروریسم دولتی اسرائیل مردم لبنان را همزمان زیر بمبارانهای وحشیانه و مهیبی قرار داده که تاکنون بیش از یک میلیون آواره، دهها هزار مجروح و معلول و ویرانیهای بزرگ به ارمغان آورده و آماده میشود تا با تبدیل سیاست ترورهای سازمانیافته و جنگ غیر مستقیم، جنگ ویرانگرانه ای را با مشارکت ایالات متحده آمریکا و ناتو علیه ایران آغاز کند.

مدتهاست رقابت ها و درگیریها و تنشهای بین المللی قدرتهای بزرگ، خصوصا در خاورمیانه، همه ی آستانه های خطر و خطوط قرمز را پشت سر گذاشته است. نبرد برای ترسیم تازه ای از قدرت در جغرافیای سیاسی جهان، عملا مردمان منطقه ما را بسوی جهنمی ویرانگر سوق داده و جهان و نظم بین المللی به مرحله ای بدون بازگشت وارد شده است.

در این میان، رقابت های منطقه ای بین رژیم اسلامی ایران و دولت نژادپرست اسرائیل، این دو نیروی ارتجاعی و افراطی، وارد فاز درگیریهای مستقیم شده است. وضعیت و موقعیت این دو رژیم و هم پیمانانشان، بعنوان طرف های تاثیر گذار و تعیین کننده در این جنگ اهمیت فراوانی در نتایج و عواقب این درگیریها دارد. در این مقطع، همزمان با اجرای "دکترین ضاحیه" که سیاست استفاده نامتناسب از زور در غزه و کرانه باختری، برای هدف قرار دادن غیرنظامیان و زیرساخت ها به عنوان سیاست مجازات دسته جمعی، ترور رهبران و کشتن فرماندهان به حالت یک تاکتیک کلیدی درآمده است. این سیاست گرچه منجر به سقوط کامل یک ساختار سیاسی نمی شود، اما باعث سردرگمی، آشفتگی و آسیب پذیری شدید دشمن می شود. قتل دانشمندان و مسئولین هسته ای رژیم، کشتن فرماندهان سپاه در لبنان و سوریه، کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران، کشته شدن فرماندهان حزب الله و سپاه قدس و خصوصا حسن نصرالله نمونه های برجسته ای این شیوه از جنگ و حذف بودند. باید انتظار داشت که این رویه همچنان ادامه پیدا کند. به این لحاظ جنگی که میان رژیم اسلامی و دولت اسرائیل آغاز شده بود، اینک با تضعیف فوق العاده بازوهای نیابتی حکومت اسلامی در فلسطین و لبنان و سوریه، از مرحله ی بازدارندگی یکدیگر، حذف شخصیت های کلیدی وابسته به جمهوری اسلامی توسط دولت اسرائیل و محاصره کردن اسرائیل از طریق نیروهای نیابتی توسط رژیم ایران گذر کرده و به مرحله تازه و بسیار خطرناک و پرمخاطره ای وارد شده است. آژیرهای خطر جنگ و ویرانی به صدا درآمده است.

در حالی که سیاست تقویت گروههای نیابتی در منطقه با هزینه های وحشتناک با شکست مواجه شده، سیاست "صبر استراتژیک" با تعرضات گسترده اسرائیلی به بن بست رسیده، حملات مستقیم موشکی و راکتی به اسرائیل به تنها راه رژیم اسلامی در پاسخ گویی محدود شده است. اما این حملات مستقیم، عامل مهمی در تقویت

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

### اجتماعی

#### تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

#### اجتماعات و تحصن کارگران صنایع نفت و گاز جنوب

روز دوشنبه ۱۶ مهرماه، بخشهایی از کارگران شاغل در سایت دو شرکت نفت و گاز پارس کنگان، سایت یک شرکت نفت و گاز پارس عسلویه، شرکت پالایش گاز فجر جم و پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی، در تجمعاتی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند. در همین روز کارگران در سکوهایی گازی چهل گانه نفت و گاز پارس از جمله سکوهایی SPD8، SPD13B و SPD13D دست به تحصن زدند. خواستهای کارگران از جمله اصلاح نظام حقوق و دستمزد کارکنان عملیاتی صنعت نفت و اجرای فوری رای ترمیم حقوق اعلام شده است.

#### تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاههای گاز پارس جنوبی

سه شنبه ۱۷ مهرماه، برای دهمین هفته متوالی کارگران پالایشگاههای گاز پارس جنوبی اعتصاب و تجمع کردند. حراست پالایشگاه یکم از تجمع گسترده کارگران جلوگیری کرده است. خواستهای کارگران عبارتند از: بازگشت به کار حجت رضایی، نماینده اخراجی کارگران، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه‌بندی برای رانندگان غیرمالک، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی.

#### تجمعات بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف

روز دوشنبه ۱۶ مهرماه، بخشهایی از بازنشستگان شرکت مخابرات در شهرهای اردبیل، ارومیه، تبریز، سنندج، بیجار، مریوان، ایلام، کرمانشاه، خرم آباد، بروجرد، همدان، زنجان، تهران، شیراز، اهواز، اصفهان، رشت و بندرعباس تجمع کردند. خواستهای بازنشستگان از جمله: عدم اجرای بدون تنازل آئین‌نامه رفاهی ۸۹، فریز مطالبات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشستگان از ۲۰٪ به ۵۰٪، عدم تسویه هزینه‌های درمان توسط بیمه معلم و دانا، عدم اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ و تبصره ۲ ماده ۳۱ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص بازنشستگان ۹٪ بعد از خصوصی‌سازی.

#### اعتراض کارگران بیکار شده پتروشیمی ارغوان گستر ایلام

روز سه شنبه ۱۷ مهرماه، کارگران بیکار شده پتروشیمی ارغوان گستر ایلام در اعتراض به بیکارسازی در مقابل ساختمان دادگستری شهرستان چوار تجمع کردند. در روزهای گذشته نیز کارگران این شرکت دست به تجمع و اعتراض زده بودند و طی آن تعدادی از معترضین احضار و بازداشت شدند. اجتماع روز سه شنبه در اعتراض به سرکوب و بازداشت بود. متأسفانه در این اجتماع دو کارگر اقدام به خودسوزی کردند که نافرجام بود که یکی از آنها پدر یکی از کارگران بازداشت شده بود. اعتراض کارگران بیکارش ده پتروشیمی ارغوان

گستر ایلام از سه ماه قبل آغاز شده است. خواست مرکزی کارگران بازگشت به کار و تعیین تکلیف وضعیت شغلی است.

#### تجمع و اعتصاب کارگران مجتمع معدنی چادرملو

روز سه‌شنبه ۱۷ مهرماه، کارگران مجتمع معدنی چادرملو اردکان در استان یزد دست به اعتصاب و اعتراض زدند. بدنبال اعتصاب و اجتماع اعتراضی کارگران معدن سنگ آهن چادرملو، نیروهای مسلح یگان ویژه انتظامی وارد مجتمع معدنی شده و به تهدید کارگران و اعمال فشار برای پایان تجمع و اعتصاب پرداختند.

#### اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن چغارت

روز چهارشنبه ۱۸ مهرماه، کارگران معدن سنگ آهن چغارت در بافق یزد دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. ابتدا بخشهای اصلی معدن و سپس قسمت‌های بارگیری به اعتصاب پیوست.

#### اجتماع کارگران کارخانه سیمان در مقابل فرمانداری لامرد

روز چهارشنبه ۱۸ مهرماه، کارگران کارخانه سیمان در مقابل فرمانداری لامرد دست به تجمع زدند. خواستهای کارگران عبارتند از: پرداخت به موقع حقوق و مزایا، پرداخت به موقع بیمه تامین اجتماعی، پرداخت به موقع بیمه تکمیلی (علیرغم آنکه بخشی از بیمه تکمیلی و بیمه تامین اجتماعی از حقوق پرسنل کم می‌شود)!

#### اجتماع اعتراضی معلمان نسیم شهر

روز دوشنبه ۱۶ مهرماه، شماری از معلمان نسیم شهر که در مدارس روستاها مشغول به کار هستند، در اعتراض به نبود سرویس رفت و برگشت به روستاها، در مقابل اداره آموزش و پرورش ناحیه دو بهارستان تجمع کردند. اداره آموزش و پرورش هر ساله برای معلمان مناطق روستایی و شهرستانهای استان تهران، سرویس رفت و برگشت برقرار می‌کند. اما امسال از ابتدای مهرماه تاکنون اداره‌های شهرستانهای استان تهران به معلمان گفته‌اند که بودجه نداریم و وزارتخانه مجوز برقراری سرویس برای معلمان مناطق روستایی و شهرهای اطراف تهران را نمی‌دهد. این معلمان یک روز قبل نیز دست به تجمع اعتراضی زده بودند.

#### تجمع کارگران شهرداری یاسوج

روز دوشنبه ۱۶ مهرماه، کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود در مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. کارگران می‌گویند بیش از هفت ماه است که شهرداری حقوق ما را به حساب‌ها واریز نکرده است. همینطور تا مرداد ۱۴۰۳ بیمه کارگران پرداخت شده است و مابقی ماه‌ها بیمه پرداخت نشده است.

#### اعتراض و اعتصاب کارگران شهرداری کرج

روز پنجشنبه ۱۲ مهرماه، بخشهایی از کارگران شهرداری کرج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع در محوطه شهرداری زدند. کارگران خواستار پرداخت ۲ ماه دستمزد معوقه و پرداخت عیدی و پاداش پایان سال ۱۴۰۲ خود شدند. کارگران شهرداری کرج تاکنون چندین بار با برپایی تجمع خواستار دریافت کلیه معوقات خود قبل از فرا رسیدن سال نو شده بودند، ولی تاکنون هیچ مقامی پاسخگو نبوده است.

#### اعتراض خانواده‌های کارگران شهرداری مریوان

## آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

زندان زایل بر اثر سخته قلبی و عدم رسیدگی پزشکی جان خود را از دست داد. در هفته گذشته یک زندانی سیاسی به نام "حمید حسین نژاد حیدرانلو" توسط دادگاه انقلاب ارومیه محکوم به اعدام شد. این زندانی فروردین ۱۴۰۲ بازداشت و به اتهام "بغی" محکوم به اعدام شده و جانش در خطر است.

در آستانه "روز جهانی علیه اعدام" شاهد شدیدترین خشونت‌ها توسط حکومت قرون وسطایی هستیم که زندانیان را در ملأ عام اعدام می‌کند و در رتبه نخست اعدام در جهان است. به طوری که از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا کنون قریب به ۴۵۰ تن را اعدام کرده است. کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" از نهادها و ارگانهای سیاسی، مدنی و حقوق بشری مستقل داخلی و بین‌المللی می‌خواهد برای نجات جان محکومان به اعدام در ایران از این کارزار حمایت کند و جامعه جهانی را برای محاکمه و بازخواست سران این رژیم بخاطر بیش از چهار دهه جنایت علیه بشریت و کشتار و اعدام زندانیان، مورد حسابرسی قرار دهند.

\*\*\*



## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی...

روز سه شنبه ۱۷ مهرماه، خانواده های کارگران شهرداری مریوان بدلیل عدم پرداخت حقوق کارگران در محوطه ی شهرداری مریوان تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق معوقه ی کارگران شدند.

### کارگر دیگری دست به خودکشی زد

جمال قاراگزلو از ساکنان شهر ده سرخ که در مبارکه اصفهان قرار دارد بدلیل اخراج از کار خودکشی کرد. جمال قاراگزلو قبل از این هم چندین بار از کارش که رفتگر شهرداری دهسرخ است اخراج شده بود. از جمال قاراگزلو دو فرزند خردسال بجا مانده است.

### سی و هفتمین هفته سه‌شنبه‌های نه به اعدام

سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۲۲ زندان مختلف کشور در آستانه روز جهانی علیه اعدام وارد سی و هفتمین هفته شد. زندانهای شرکت‌کنندگان در سی و هفتمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" عبارتند از: اوین (بند زنان، بند ۸۰۴)، قزلحصار (واحد ۴۰۳)، مرکزی کرج، تهران بزرگ، خرم‌آباد، اراک، اسد آباد اصفهان، نظام شیراز، بهم، مشهد، لاکان رشت (بند زنان و مردان)، قائمشهر، اردبیل، تبریز، ارومیه، سلماس، خوی، نقده، سقز، بانه، مریوان و کامیاران.

زندانیان شرکت‌کننده در کارزار در بیانیه خود اعلام کردند: حکومت اعدام در ایران برای جلوگیری از اعتراضات مردمی تنها در روزهای ۱۰ و ۱۱ مهر ۳۰ تن را در زندانهای مختلف کشور اعدام کرده که ۳ تن از آنها زن بوده‌اند. یک زندانی محکوم به اعدام به نام "محمود دهمرده" در

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

# هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

PARTOW TV

@hekmatisit

@patowtv

Hekmatist.org

Thepartow TV

@hekmatisit1917

@PartowTV

@hekmatisit pary

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات  
اجتماعی

## زنده باد سوسیالیسم!